

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۴ جنوری ۲۰۲۱

ناتوانی است و یا نخواستن؟؟

۲

یکشنبه ۱۴ جدی ۱۳۹۹ - کابل:

به ادامه گذشته:

و اما در صورت دوم، یعنی دید واقع‌بینانه و مطابق با واقعیت‌های جاری در کشور، چشم‌های مان را به تباری و سازش بین دولت دست‌نشانده و طالب‌نیزسته، در اساس دولت دست‌نشانده را بخشی از طالب و مقدمه ظهور طالب دانسته و به این واقعیت تمکین‌نمائیم که دولت دست‌نشانده در مقطع کنونی تلاش می‌ورزد تا راه برگشتن طالب را به قدرت هموار سازد و در کنار مساعدت‌های همه‌جانبه مالی و نظامی، در سایر زمینه‌ها نیز با طالب همکاری می‌نماید، در آنصورت متوجه خواهیم شد، که دولت دست‌نشانده آگاهانه نمی‌خواهد از اهل رسانه حمایت نموده باعث تقویت آنها گردد.

علت صدور چنین حکمی گذشته از این که در افغانستان دلایل خاص خود را دارد، در سطح جهان نیز مبتنی بر دلایلی می‌باشد.

تا جایی که از مطالعه قواء و تفکیک آنها در کشور‌های امپریالیستی غرب بر می‌آید، د در کل تا هنوز در اکثر دولت‌های سرمایه‌داری غربی را اکثر آنها دارای ساختار مشابه اند یعنی هر دولتی متشکل از سه قوه "اجرائیه، مقننه و قضائیه" می‌باشد. با در نظر داشت این که بعد از جنگ جهانی دوم جناح سرمایه‌معلوماتی از برکت رشد تکنولوژی رشد فوق‌العاده نموده بود، همه شاهدیم که اکثراً از مطبوعات به مثابه قوه چهارم یاد می‌نمودند. این روند و ارتقای مقام رسانه‌ها و مطبوعات تا سطح هم‌تراز دانستن آن با سه قوه دیگر، کلاً تا زمانی وجود داشت که دنیای مجازی اینترنت به وجود نیامده بود و اطلاعات در کل در انحصار جناح بزرگ سرمایه‌مطبوعاتی قرار داشت، از زمانی که اینترنت دنیای مجازی خودش را به وجود آورد و افراد این امکان را یافتند تا معلومات را از انحصار بزرگ سرمایه‌ها بیرون کشیده، خود مستقلانه تکثیر نمایند، همه شاهدیم که در سطح جهان، اخوت و برادری نهاد اطلاع‌رسانی مستقل از کلان سرمایه به دشمن دولت‌ها مبدل شده، نمونه‌های سنودن، میننگ و آسانژ همه روزه افشاگر ماهیت دولت‌های کنونی می‌باشد.

از این تذکر می توان نتیجه گرفت که مخالفت علیه رسانه ها و اهل رسانه ها به خصوص آنهایی که مستقلانه و در مخالفت با حاکمیت ها حرکت می نمایند از جانب دولت ها به یک اصل پذیرفته شده مبدل شده است. اصلی که دولت دست نشاندۀ کابل و انسان تمامیتخواه و انحصار طلبی چون "غنی احمدزی" به هیچ وجه از آن مستثنا نیست.

به علاوه این را می دانیم که طالب به همان سانی که بازۀ زمانی حاکمیت اولش را مرهون و مدیون فقدان آزادی بیان و عدم موجودیت رسانه و اطلاعات جمعی بود، امروز هم قبل از رسیدن به قدرت و تصفیۀ قدرت با آنها، تلاش دارد تا با زدن و به نابودی سوق دادن رسانه ها، همان فضائی را ایجاد نماید که در دور اول حاکمیتش وجود داشت. یعنی تعمیم فضائی گورستانی در غیاب رسانه ها.

در سطور بالا نگاشتیم که دولت دست نشاندۀ به مثابۀ زمینه ساز و جاده صافکن برگشت طالب و به مثابۀ بخشی از طالب به قدرت رسیده است، در چنین صورتی مسلم است که به مانند طالب در تخاصم خونین با رسانه ها قرار می گیرد و در نتیجه نه تنها نمی خواهد جلو ترور اهل رسانه ها را بگیرد، بلکه می تواند زمینۀ ترور را فراهم نماید. و اما به ارتباط گفته های رئیس ریاست جدید الولادۀ "محمود" و انتقادش از قربانی های تروریسم مشترک دولت دست نشاندۀ و طالب، باید نوشت:

از این آقا باید پرسید: دلیل دشمنی طالب با اهل رسانه چیست؟ آیا از قد و قامت آنها متنفر است و بدان علت دست به کشتار آنها می زند و یا طالب با کاری که اهل رسانه انجام می دهد موافق نیست و می خواهد آن را متوقف و نابود نماید؟

پاسخ بدین سؤال کاملاً روشن است، تروریستی که ماشه را می کشد و یک تن از اهل رسانه را به خون می کشد، حتا آنهایی که دستور انجام چنین جنایتی را صادر می نمایند با قربانی شان نه تنها هیچ دشمنی شخصی ندارند بلکه هیچ شناختی نیز از یک دیگر نداشته، چه بسا پدران آنها حتا در یک مسجد نماز هم نخوانده باشند. در نتیجه هدف و منظور تروریست از به خاک و خون کشانیدن یک انسان بیگناه، قطع کاریست که می کند.

با در نظر داشت چنین نتیجه وقتی می خوانیم که یکی از توله سگان "غنی احمدزی" بسیار ردیالنه قربانیان را ملامت می کند که چرا به مشوره های مقامات امنیتی توجه نکرده اند و علت کشته شدن آنها را به نحوی بی توجهی به مشوره های مقامات دانسته خود آنها را مسؤول مرگ شان معرفی می دارد، نباید تنها به ابراز انزجار نسبت به چنین قضاوتی اکتفاء نمود، بلکه می باید مدلل ساخت که پیشنهاد های امنیتی از چنین سنخی، چیزی به جز قطع عملکرد مقتول، یعنی تمکین به ارادۀ تروریست نمی تواند باشد.

هموطنان گرامی!

نباید به دولت دست نشاندۀ و سخنگویان وطنفروش و بی آزرش اجازه داد تا تأمین امنیت را با رها کردن کار و قطع فعالیت گره بزنند، طرح چنین خواستی عملاً به معنای تمکین در برابر توحشی است که طالب تلاش دارد تا آن را علیه خلق ما اعمال نماید. عکس آن تأمین امنیت بدان معناست که آنها با هراس از رسانه ها، جرأت ننمایند بر روی اهل رسانه دست بلند نمایند.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لایتجزای مبارزه علیه دولت دست نشاندۀ می باشد!

سرکها ما را می طلبند!